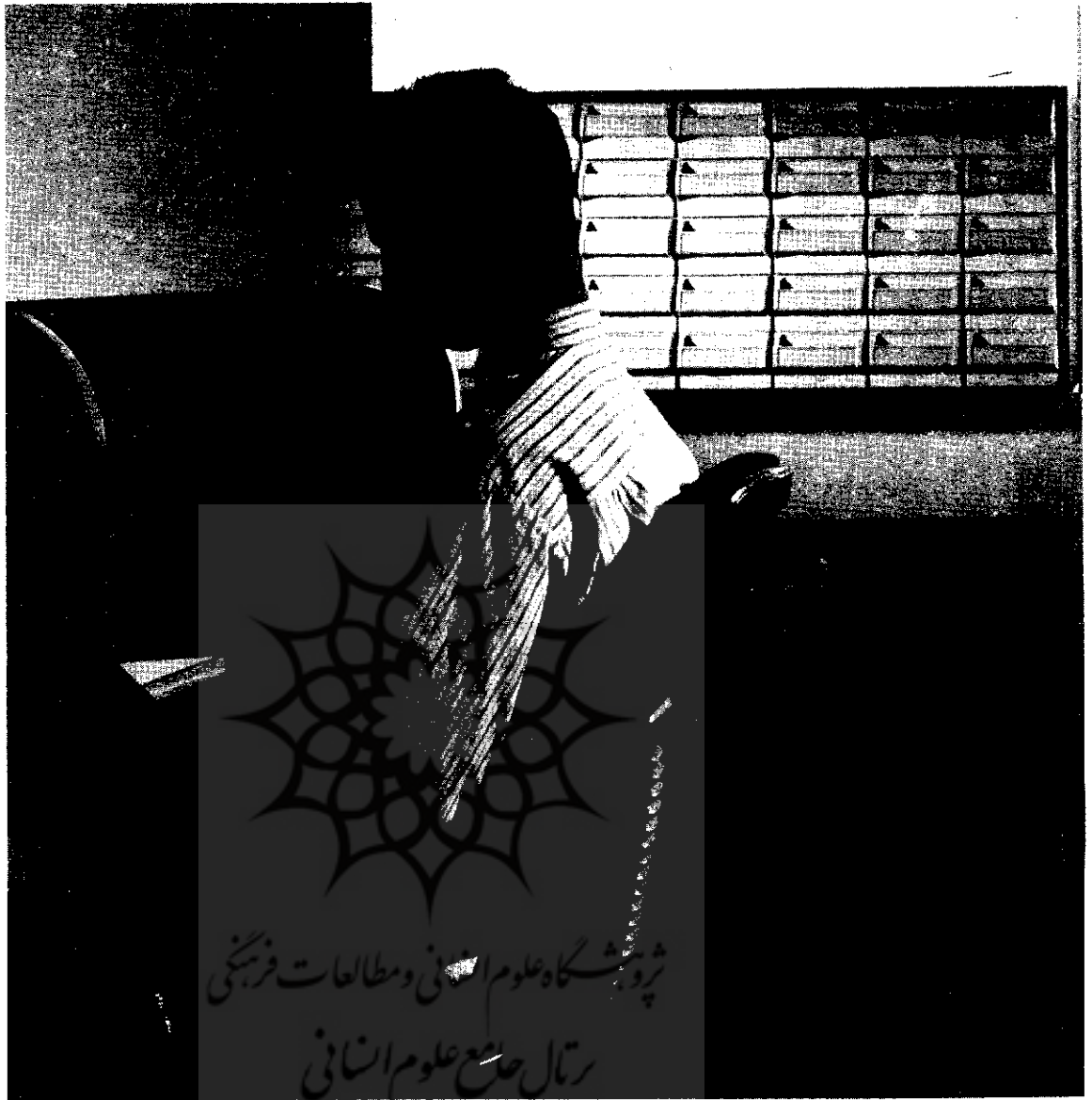


بررسی ابعاد آموزشی و اجتماعی مطالعه



مقدمه:

امروزه نقش و اهمیت نهاد آموزش و پرورش برکسی پوشیده نیست، چنانکه می‌توان گفت که رفع نیازهای اولیه بشر امروز منوط به امر آموزش است. در طبقه‌بندی نیازها، نخست حوائج مادی قرار دارد که در گذشته رفع آنها در گرو داشتن منابع و امکانات لازم و کافی بود، یعنی هرچا که زمین، آب و ... فراهم بود، نیازهای مردم نیز مرتفع می‌شد، یا کشوری که معادن غنی داشت آباد و بی‌نیاز محسوب می‌شد، اما با رشد سریع جمعیت و تحول و توسعه نیازها و توقعات مردم،

امروزه آب و زمین و داشتن منابع و معادن به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی نیازهای مردم یک جامعه باشد، بلکه آنچه مهم است نحوه و میزان استفاده از این منابع و امکانات است، که این مهم تنها در سایه آموزش نیروی انسانی که عامل اصلی تولید و بهره‌وری است صورت می‌گیرد.

به تحقیق ثابت شده است که در جامعه میزان کارآئی افراد و در نتیجه میزان رشد و توسعه آن جامعه با سطح آموزش نیروی انسانی آن ارتباط مستقیم دارد. در جهان امروز ارتباط بین بیسوادی و فقر عمومی برکسی پوشیده نیست، همچنانکه



ارتباط بین توسعه و سواد نیز غیرقابل انکار است.

طرح مساله:

جهان امروز و دوم ایجاد انگیزه در افراد مختلف علی‌الخصوص قشر جوان جامعه و نیز شناخت ضرورتها و نیازها برای پرداختن به یکسری راه حل‌های عملی جهت تهیه مطالب و منابع علمی و فرهنگی و نیز امکانات لازم برای مطالعه.

بقول دکتر یوسفیان "ما بعنوان شهروند جامعه، احتیاج به تغذیه فرهنگی داریم، اگر این غذارسانی درست صورت نپذیرد و مواد مورد نیاز در این تغذیه قرار داده نشود، دچار کمبود کاستی می‌شویم و این نیاز، ارضاء نشده و ناخرسند باقی می‌ماند" (۲)

مطالعه و ابعاد آن:

یکی از ویژگیهای مهم انسان زبان است. داشتن قدرت بیان و تکلم انسان را در امر یادگیری یاری بسیار نموده است. زبان و بیان یکی از وسایل عمده ایجاد ارتباط اجتماعی در انسان است. زبان به دو صورت کلامی و غیرکلامی در انسان متجلی شده است. اصواتی که از حنجره انسان خارج می‌شوند مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که در طی قرون و اعصار از ترکیب آنها کلمات پیچیده‌تری درست شده‌اند و هرکلمه معنا و مفهوم خاصی پیدا کرده است. این نشانه‌ها در ابتدا شکلی ساده داشته‌اند، پس از آن تکامل بسیاری را طی کرده‌اند و از کوچکترین واحدهای معنی دار، بتدریج ترکیبات و مشتقات متعددی بوجود آمده و از مجموع این نشانه‌های صوتی، زبان شکل گرفته است.

بنابراین، زبان مجموعه‌ای است از علائم و نشانه‌های صوتی یا کتبی برای بیان معانی اشیاء و پدیده‌های عالم خارج بمنظور ایجاد ارتباط از طریق این معانی. (۳)

زبان و اندیشه با هم ارتباط متقابل داشته و در یکدیگر تأخیر می‌گذارند. رشد و توسعه زبان باعث رشد اندیشه میشود و برعکس رشد و تکامل اندیشه تکامل و توسعه زبان را در برخواهد داشت.

انسان در طول هزاران سال ارتباط کلامی خود را بصورت شفاهی اعمال می‌نمود. پیام‌ها بصورت "گفتن" از فرستنده پیام به گیرنده آن می‌رسید و گیرنده نیز از طریق "گوش دادن" آن را دریافت می‌کرد. بنابراین دو عمل "گفتن" و "گوش دادن" در طی زمانهای طولانی تنها وسیله ارتباطی بین افراد و گروه‌های

مساله مطالعه که موضوع مورد بحث این مقاله است یکی از راههای اصلی آموزش محسوب می‌شود که توجه به آن می‌تواند جوابگوی بسیار موثری در رفع خلاء آموزشی باشد. متأسفانه این واقعیت تلخ در کشور ما وجود دارد که میزان مطالعه بسیار پائین است و ما از این نظر در ردیف کشورهای بسیار پائین هستیم. عوامل زیادی در این امر مؤثر میباشند که از مهمترین آنها میتوان به درصد بالای بیسوادی و کم‌سوادی در جامعه اشاره نمود آمار نشان می‌دهد که در سرشماری سال ۱۳۶۵ تعداد ۲۶ میلیون نفر از جمعیت کشور ما از نظام آموزشی جامعه جدا شده‌اند و یا اینکه اصلاً به آن وارد نشده‌اند، که از این تعداد ۷۷٪ آنها بیسواد و یا دارای تحصیلاتی درحد پنجم ابتدائی می‌باشند.

در عین حال این گروه بیش از ۲۰ میلیون نفر از جمعیت روبه رشد کشورمان را تشکیل می‌دهند و آنچه حائز اهمیت است اینکه این افراد عمدتاً افراد بزرگسالی هستند که بنحوی در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه سهم می‌باشند. (۱) به عبارت دیگر پدران، مادران، صنعتگران، کشاورزان، کارگران و... همه از این گروه می‌باشند و از خصوصیات بارز این گروه عظیم جمعیتی آنست که توانائی خواندن و نوشتن را در حد مطلوب ندارند، یا به عبارتی ساده‌تر فرهنگ مکتوب و نوشتاری بعنوان یکی از شاخه‌های مهم کسب علم و تخصص در این گروه کاربرد چندانی ندارد. بنابراین افراد مذکور بدلیل درگیر بودن با مسائل روزمره زندگی و دلایل دیگر، انگیزه لازم را جهت مطالعه ندارند و اگر هم داشته باشند مطالب و موادی که قابل درک و فهم آنها باشد و بتواند به نیازهای آنها پاسخ دهد، وجود ندارد و یا بسیار کم است. بنابراین همچنان در مرحله آموزش شفاهی باقی می‌مانند و می‌توان گفت که آموزش شفاهی هم بدلیل ضعفی که در فرهنگ نوشتاری آنها موجود است، بسیار کم اثر است.

اهداف:

آنچه در این مقاله بدنبال آن هستیم یکی شناخت "مطالعه" بعنوان یک فعالیت اجتماعی و یا یک ضرورت حیاتی در

آنها تلاش و سعی لازم را معمول نماید.

اما در اینجا این سؤال پیش می‌آید که کدام نهاد یا نهادها و سازمانهای اجتماعی این نقش و وظیفه مهم را به عهده داشته و آنها باید ایفا نمایند. همانطوریکه می‌دانیم نهادها و سازمانهای مختلف اجتماعی در جریان جامعه‌پذیر نمودن کودک و نوجوان نقش و سهم مؤثری دارند. از جمله سازمانها و نهادهای عمده در این رابطه خانواده و آموزش و پرورش است. بنابراین، نهادهای اجتماعی مذکور در جریان ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در فرد مهمترین و مؤثرترین وظیفه را عهده‌دار هستند. "اگر پدر و مادری عادت به مطالعه داشته باشند و کودک در طول روزها و شب‌هاییکه با آنها می‌گذرانند، ببینند که پدر و مادرش کتاب می‌خوانند، مجله و روزنامه می‌خوانند و ببینند که درباره کتابها و نکته‌های خاصی از آنها بحث و اظهار نظر می‌کنند، کودک خیلی زود با کتاب آشنا می‌شود. در ابتدا شروع می‌کند به اینکه به تقلید از پدر و مادرش کتاب بدست بگیرد. (۴) "لذا کودکی که در محیط کتاب و مطالعه بیار آید، بنظر می‌رسد که یک مطالعه‌کننده بار آید." (۵)

با توجه به موارد مذکور دیده می‌شود که برای ایجاد انگیزه و عادت در کودک، خانواده تا چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد. کودکانی که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند در دوران تحصیل معمولاً بدون اشکال می‌توانند به مطالعه و کتاب خواندن عادت کنند. اما آیا می‌توان این فرض را پذیرفت که در تمام جوامع بشری، خانواده‌ها می‌توانند در ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در کودکان خود نقش سازنده‌ای داشته باشند؟ مسلماً این فرض در برخی جوامع قابل قبول است، ولی در اغلب جوامع که والدین به خواندن و مطالعه علاقه و توجهی ندارند و یا حتی بدلیل کم‌سوادی و بیسوادی خود قادر به مطالعه نیستند این فرض صادق نمی‌باشد. در چنین جوامعی وظیفه و نقش آموزش و پرورش و سازمانهای وابسته به آن مانند دبستان، دبیرستان، آموزشگاه، دانشگاه و ... سنگین‌تر خواهد شد. متأسفانه باید گفت که جامعه ما از نوع دوم است. اغلب بدلیل کم‌سوادی و بیسوادی والدین و یا عدم توجه و علاقمندی آنها به امر مطالعه، نقش مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها و ... مضاعف می‌شود. لذا با توجه به اینکه یکی از امور مهمی که هر جامعه بدنیاال آنست، انتقال میراثهای

انسانی و جوامع بشری بوده است. بعد از آنکه انسان به یکی از اختراعات مهم خود یعنی آفرینش "خط" دست یافت، توانست از طریق دیگری نیز با هموعان خود ارتباط اجتماعی برقرار نماید. از این به بعد دورکن "خواندن" و "نوشتن" نیز بعنوان بخشی از زبان شناخته شد اختراع خط و کتابت و چاپ کتب و روزنامه‌ها و نشریات گوناگون، انسان را قادر ساخت تا پیام‌ها و افکار و اندیشه‌های خود را از طریق نوشتن و کتابت بدیگران انتقال دهد. مزیت دیگر خط و کتابت این بود که بوسیله آن تجربیات، دانسته‌ها و اندیشه‌های نسل‌های گذشته برای نسلهای آینده به یادگار می‌ماند. بنابراین حفظ و حراست میراث فرهنگی و علمی بشر و تاریخ تمدن او از رسالت‌های بزرگی است که خط و کتابت و صنعت چاپ بخوبی از عهده آن برآمده است. بهمین دلیل است که بسیاری از دانشمندان پیشرفت‌های فراوان بشر را در زمینه‌های علمی و انفجار دانش و اطلاعات بشری را در دنیای امروز مدیون اختراع خط و نوشتن می‌دانند.

اولین زبان‌های نوشتنی جهان، بنا بر تحقیقات و بررسی‌های انجام شده، استفاده از تصاویر و اشکال برای نشان دادن اشیاء و پدیده‌ها بوده است. لکن این خطوط تصویری کارایی چندانی نداشته‌اند، زیرا اولاً بکاربردشان بسیار دشوار بوده و ثانیاً نشان دادن امور مجرد و مسایل ذهنی با آنها تقریباً ناممکن بوده است، بمنظور رفع این نواقص و دشواریها بود که کم‌کم خطوط تصویری جای خود را به خطوط حرفی و نشانه‌ای دادند.

با توجه به آنچه آمد می‌توان نتیجه گرفت که زبان امروز بشر دارای چهار رکن اساسی است که عبارتند از:

۱- گفتن ۲- گوش دادن ۳- نوشتن ۴- خواندن
در ارتباطات اجتماعی، پیام‌ها با دورکن "گفتن" و "نوشتن" فرستاده می‌شود و بوسیله دو رکن دیگر "گوش دادن" و "خواندن" دریافت می‌گردند.

بنابراین "خواندن" یا "مطالعه کردن" از ارکان عمده زبان محسوب می‌شود و جزء فعالیتهای اجتماعی و مهم بشری است که از دیگر افراد جامعه کسب می‌شود. به بیان دیگر انسان در رابطه با دیگر انسانها یاد می‌گیرد که به مطالعه بپردازد. در این صورت جامعه باید در جهت فعال نمودن فرد فرد اعضای خود جهت ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در



تحت آموزش و پرورشی قرار داد تا همیشه تشنه مطالعه باشند و یاد بگیرند که چگونه اوقات فراغت خود را با مطالعه کتاب و نشریات مفید پر کنند و نیز بیاموزند که از کتابهای درسی و غیردرسی و خلاصه از کلیه مطالب متنوع برای مطالعه استفاده نمایند. لذا جهت نیل به این هدف از دو شیوه متفاوت می توان استفاده نمود:

الف. شیوه مطالعه ضمن آموزش:

در این روش معلم می تواند با دو هدف فراگیران خود را به مطالعه وادار نمایند، یکی با هدف افزایش دانش و یادگیری بیشتر و کسب مهارتهای جدید در زمینه درس گوناگون و دوم مراجعه دانش آموزان به کتاب و کتابخانه و مطالعه کتب و نشریات مختلف به جهت ایجاد علاقه و انگیزه و عادت به مطالعه در فراگیران. به کارگیری شیوه های مختلف مطالعه آزاد، انجام پروژه، ایثار کنفرانس، شرکت در بحث های گروهی کلاس و... در این مورد مهم است.

ب. شیوه ویژه مطالعه:

این روش منحصر به برنامه ویژه مطالعه است. به این ترتیب که هدف اساسی و نهائی، ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در فراگیران است. این شیوه نیز در مقاطع مختلف تحصیلی از دوره پیش دبستانی و آمادگی تا بالاترین سطوح آموزشی و دانشگاهی می تواند معمول گردد. یکی از مسائل مهمی که در امر مطالعه قابل تعمق است داشتن یک برنامه منظم و حساب شده است. نداشتن چنین برنامه ای علاوه بر اینکه باعث ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در فرد نخواهد شد می تواند عدم ایجاد علاقه و دزدگی را فراهم نماید، لذا برای داشتن برنامه صحیح و منظم مطالعه لازم است که افراد جواب چهار پرسش زیر را به روشنی و صراحت دریافت نمایند.

- ۱- چرا مطالعه کنیم؟
- ۲- چه چیزی را مطالعه کنیم؟
- ۳- چگونه مطالعه کنیم؟
- ۴- چقدر و چه وقت مطالعه کنیم؟

۱. چرا مطالعه کنیم؟ در واقع هدف مطالعه، باید متذکر

اجتماعی و فرهنگی خود به نسلهای جوان و نو آمده است، و نیز با عنایت به اینکه یکی از راههای عمده این انتقال و مبادله، مطالعه است، آنوقت خواهیم دید که نقش آموزش و پرورش و دیگر نهادها و سازمانهای اجتماعی در این رابطه تا چه حدی است. البته لازم به یادآوریست که تنها معرفی و دادن چند کتاب یا نشریه به کودک، نوجوان، و یا جوان و یا حتی تأسیس یک کتابخانه کافی نخواهد بود. مفهوم "ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در افراد" را باید بعنوان یکی از کارکردهای اساسی و وظایف پیچیده و مهم اجتماعی تلقی نمود. "در جهان امروز، اهمیت مطالعه بداندان پراچ می نماید که سازمانهای مسئول باید آن چنان مانع فرهنگی و مالی نشر کتاب را از میان بردارند که همه مردم بتوانند کتاب را نه تنها در کتابخانه ها، بل در محل کار، منزل، محل استراحت، مسجد، زندان و باشگاه ورزشی بدست آورند و مطالعه کنند." (۶)

یکی از شیوه هاییکه در آموزش و پرورش می تواند در ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه در دانش آموزان مؤثر باشد، استفاده از دروس مختلف در مقاطع گوناگون تحصیلی است. به بیان دیگر بخش مهمی از دروس در کلیه مقاطع تحصیلی می تواند به ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه تخصیص یابد. یا اینکه می توان گفت برای اجرای بهتر و موفق تر همه برنامه های درسی می توان از مطالعه کمک گرفت. بنابراین می توان کودک را حتی از سن پیش دبستانی یعنی از دوره آمادگی به مطالعه عادت داد و با اصول مطالعه آشنا نمود. انتشار کتب تصویری و داستانهای مصور و دادن آنها به کودکان در سنین پیش دبستانی می تواند مقدمه ایجاد علاقه و عادت به مطالعه در دوره های بعدی زندگی باشد. باید کودکان و نوجوانان دانش آموز را



ویژگیهای اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، جسمانی، ذهنی و... با دوره‌های دیگر تفاوت دارد و در نتیجه نیازهای هر یک از این مراحل و دوره‌ها با مراحل دیگر تفاوت پیدا می‌کند. مثلاً دوره نوجوانی و بلوغ با پیدایش بحرانهای شدید اجتماعی و عاطفی همراه است. نوجوان معمولاً نمی‌تواند با خانواده تطابق یابد و خانواده نیز متقابلاً با او بدرستی برخورد نمی‌کند. شخصیت فرد در این دوره سنی شکل گرفته و خودش را نشان می‌دهد، فردیت در دوره نوجوانی شکفته می‌شود، گاهی نیز با محیط پیرامون خود در تضاد قرار می‌گیرد. نوجوان در این دوران سنی زمانی در شادبهای موقت و زودگذر غرق می‌شود و زمان دیگری اسیر غم و غصه می‌شود. در این مرحله، نوجوان در ذهن خود سؤالات گوناگون فلسفی مطرح می‌نماید. فلسفه زندگی چیست؟ من چرا متولد شده‌ام؟ چرا باید زندگی کنم؟ پایان این زندگی چه خواهد بود؟ و خلاصه بسیاری سؤالات از این دست ذهن او را بخود مشغول می‌نماید و او را به کنجکاوی وادار خواهد کرد. سؤالاتی که در عین حال بسیار مهم و بزرگ و حساس هستند. حال اگر تصور کنیم که نوجوانان با این بحرانهای شدید روحی و ذهنی و عاطفی و اجتماعی به حال خود رها شوند و در زمینه مسایل مورد مطالعه‌شان راهنمایی نشوند، چه بسا مطالعه برخی کتب و مطالب برای همیشه آنها را به بدبینی و گوشه‌گیری و دلزدگی از زندگی و خلاصه بدآموزی و انحراف بکشاند. حال اگر نوجوان با بحرانهای مذکور و موقعیت سنی و روحی که بیان شد در زمینه مطالعه راهنمایی شود و مسائل و کتبی را که مطالعه می‌کند مثبت و سازنده باشند، در ذهن و روح و شخصیت او عمیقاً تأثیر مثبتی خواهد داشت که می‌توان گفت همیشگی است. بنابراین اگر کتابها و مواد مورد مطالعه بدرستی انتخاب شوند، شناخت فرد را از زندگی و مفهوم آن مثبت و دقیق و مطلوب می‌نماید و در نتیجه در شکل شخصیت او تأثیر مفید و سازنده‌ای بجا خواهد گذاشت. پس دیده می‌شود که ملاک سن در رابطه با مطالعه تا چه حدی مهم و تأثیرگذار است و بهمین دلیل است که صاحب‌نظران، کتب مختلف را براساس دوره‌های مختلف سنی طبقه‌بندی کرده‌اند. میزان تحصیلات و سطح دانش و معلومات بعنوان یکی دیگر از ملاکهای انتخاب کتاب و موضوع برای مطالعه موثر و مهم است. اگر کتاب انتخاب شده

گردید که انسان به دلایل مختلف بعنوان پیچیده‌ترین و کامل‌ترین مخلوقات عالم هستی شناخته شده است، از جمله این دلایل قدرت یادگیری سطح بالا و عمیق اوست. انسان به مدد یادگیری و به کمک شناخت و آموخته‌های خویش توانسته است تا به این حد زندگی خود را توسعه بخشد. در واقع انسان به دو دلیل یاد می‌گیرد، اول آنکه می‌خواهد حس کنجکاوی خود را ارضا نماید، چون انسان بالفطره دارای حس کنجکاوی است. او حتی در مورد مسایلی هم که ممکن است برایش فایده‌ای نداشته باشد کنجکاوی می‌کند. این معلومات و آموخته‌ها هدف عملی و کاربردی است، یعنی اینکه او می‌آموزد و یاد می‌گیرد تا بهتر بر مشکلات غلبه یابد و به نحو مطلوب‌تری نیازهای خود را ارضا نماید. بنابراین مطالعه نیز که یکی از شیوه‌های مهم یادگیری است دارای این دو هدف نظری و عملی است.

۲. چه چیز را مطالعه کنیم؟ در اینجا پاسخ دادن به این سوال نسبت به پرسش قبل از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل لزوماً به توضیح بیشتری در این زمینه پرداخته خواهد شد.

با توجه به پیشرفت‌های شگرف انسان در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و هنری و... و نیز با عنایت به توسعه صنعت چاپ، انسان امروز با مسایل و مطالب قابل مطالعه بسیاری روبروست، ولی آنچه مسلم است هر مطلبی و هر کتابی را هرکس نباید مطالعه کند. به بیان دیگر مطالب قابل مطالعه برای افراد مختلف، متفاوت است. در این زمینه ضوابط و ملاکهایی وجود دارد که زمینه مطالعه هر فرد و یا هر گروه را مشخص می‌کند. این ملاکها و ضوابط فراوان و متنوعند که از آن جمله می‌توان به سن، میزان تحصیلات و سطح دانش، جنس، علاقه، استعداد، بهره هوشی، میزان معلومات و سطح دانش، رشد شخصیت، نوع شغل و... اشاره نمود. برای مثال اگر ملاک سن را مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که دوره‌های مختلف زندگی با ویژگیها و خصوصیات گوناگون همراه است که باعث پیدایش نیازها و نگرشهای مختلف می‌شود. دوران کودکی با نوجوانی و این دو با دوره جوانی و همینطور بزرگسالی و کهنسالی متفاوت است و هر یک از این مراحل سنی به دوره‌های کوچکتری تقسیم می‌شود که از لحاظ



برای مطالعه متناسب با سطح تحصیلات و میزان دانش و معلومات فرد نباشد، می‌تواند او را برای همیشه نسبت به مطالعه و کتاب خواندن دلزده و گریزان نماید. این نوع مطالعه علاوه بر اینکه تاثیر مثبتی ندارد دارای تاثیر مخرب و منفی هم خواهد بود.

بنابراین در انتخاب کتاب و مواد مورد مطالعه باید کلیه ملاکهای مذکور را مدنظر قرار داد. در اینجا توضیح کلیه موارد و ملاکها باعث اطاله کلام خواهد شد، لذا به همین مختصر بسنده می‌شود.

۳. چگونه مطالعه کنیم؟ در مورد چگونه مطالعه نمودن هم سخن بسیار است ولی بدلیل جلوگیری از طولانی شدن مقال و رعایت اختصار به بیان مختصری در این زمینه اکتفا خواهد شد.

در اینجا لازم است متذکر شود که شیوه‌های مطالعه و کیفیت آن متفاوت و گوناگون است، برای مثال می‌توان به خواندن با سرعت یا مطالعه سریع، عبارت خواندن، مطالعه دقیق، اجمالی خواندن، مطالعه و خواندن تجسسی، مطالعه و خواندن انتقادی، مطالعه سطحی، مطالعه برای درک زیباییها و درک جنبه‌های هنری و... اشاره نمود. (۷)

در واقع باید گفت که هر کتاب و یا هر مطلبی باید با شیوه متناسب با شرایط خاص خود آن کتاب و مطلب مطالعه شود. برای مثال مطالعه یک رمان و داستان با مطالعه یک مطلب علمی و یا یک کتاب مرجع بسیار متفاوت است. علیرغم اینکه هر کتاب را باید متناسب با روش خاص آن کتاب خواند ولی لازم است یادآوری نمود که معمولا" بسیاری از عادات مطالعه کردن و خواندن که در ابتدای این کار کسب شده است کم‌کم نیاز به تغییر دارند. برای مثال "تندخوانی" و یا "زیرلب خواندن" که در دوران دبستان در کودک بصورت یک عادت در آمده است در سالهای بالاتر زندگی تبدیل به "چشم‌خوانی" و "مطالعه سریع" خواهد شد. البته به کارگیری دقت در مطالعه با سرعت برهمگان آشکار است تا آنکه کیفیت این مساله فدای کمیت نشود. "از شواهد روانشناختی بر روی هم چنین برمی‌آید که تندخوانها بیش از کندخوانها جذب می‌کنند و یاد دارند". (۸) این امر بدلیل دقت بیشتری است که در مطالعه اعمال میشود. حتی الامکان باید سعی نمود که هر

مطلب را در یک نشست مطالعه نمود تا کلیت آن در ذهن باقی بماند.

بنابراین در بحث چگونه مطالعه کردن خواننده باید سعی کند از شیوه زیرلب خوانی پرهیز نموده و به چشم‌خوانی عادت نماید. در مورد چشم‌خوانی و با سرعت مطالعه کردن لازم است یادآوری نمود که در دهه‌های اخیر دوره‌ها و کلاسهای آموزشی در این خصوص برنامه‌ریزی و اجراء شده است. در پایان این بحث باید به کسب مهارتهای لازم و ضروری در مورد خواندن دقیق و آرام مطالب مهم و اساسی یک متن دشوار نیز اشاره نمود. برای مثال خواندن یک قصیده ساده با مطالعه یک متن فلسفی مشکل از کتاب منظومه حاج ملاهادی سبزواری با هم تفاوت بسیار دارند.

۴. چقدر و چه وقت مطالعه کنیم؟

در این مورد که چقدر مطالعه کنیم و یا به عبارتی چند ساعت مطالعه در شبانه روز برای فرد لازم است، لازم به تذکر است کلیه افرادی که علاقمند به مطالعه هستند و به طور کلی همه کسانی که قادر به خواندن و مطالعه کردن می‌باشند معمولا کمتر از حد علاقه خود به مطالعه می‌پردازند.

داشتن یک برنامه صحیح و منظم زمانی دقیق و در عین حال انعطاف‌پذیر مطالعه برای هر فرد لازم است. دانشجویان دانشگاه و دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی باید در طول سال تحصیلی برای خود یک جدول زمانی جهت مطالعه کتب درسی و نیز کتب و مواد غیردرسی داشته باشند. در ایام فراغت، علی‌الخصوص در تعطیلات تابستانی، میان ترم و نوروزی بر میزان مطالعه آزاد و غیردرسی که در واقع نوعی خودآموزی است افزوده خواهد شد. تهیه و تنظیم و رعایت برنامه منظم زمانی برای مطالعه فرد را در مقابله و مبارزه با بی‌میلی و کم‌توجهی به امر مطالعه کمک کرده و در این مورد بسیار سودمند و مفید خواهد بود علاوه بر مطالب مذکور، یادآوری این نکته مهم ضروریست که تناسب ساعات مطالعه در شبانه‌روز بطور مستمر و متوالی براساس برنامه از پیش تعیین شده رعایت شود.

در خصوص زمان مطالعه باید سعی نمود که حتی الامکان از مطالعات شبانه کاسته شود و بر مطالعه صبحگاهی افزوده گردد. بنابراین استفاده از ساعات مفید سحرگاهی در مطالعه

این مورد اشاره شد. چاپ کتاب‌های متنوع و نشریات علمی، ادبی، فرهنگی و... در سطوح مختلف از عواملی است که افراد جامعه را در انتخاب خود براساس علاقه، سطح تحصیلات، میزان معلومات، سن و بسیاری ملاکهای دیگر که ذکر آن نیز گذشت یاری می‌نماید. بنابراین حذف موانع مختلف اقتصادی، اداری، فرهنگی و اجتماعی جهت چاپ کتب و نشریات و همینطور توجه نویسندگان، مترجمین و ناشران به نیازهای مختلف خوانندگان و مخاطبان خود که از گروه‌های مختلف اجتماعی هستند می‌تواند در بالا بردن انگیزه و عادت افراد جامعه به مطالعه نقش بسیار مهمی را ایفا نماید. مساله دیگری که در اینجا لازم است بیان شود، وجود تجانس و تناسب اجتماعی و فرهنگی محتوای کتب و نشریات تالیفی، مخصوصاً ترجمه‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی مخاطبین و خوانندگان است.

یکی دیگر از مشکلات و موانع مطالعه، کم بهادادن به کتاب و کتابخوان و مطالعه کنندگان است، باید کوشش تا مطالعه در جامعه نهادی و فرهنگی شود. اگر مطالعه بعنوان

می‌تواند دارای کارایی بیشتری باشد. البته یادآوری این نکته ضروری است که برخی مزاحمت‌های روزانه که باعث از بین رفتن تمرکز حواس می‌شوند در شب از میان رفته و یا از میزان آنها کاسته میشود.

محدودیت‌ها و موانع مطالعه

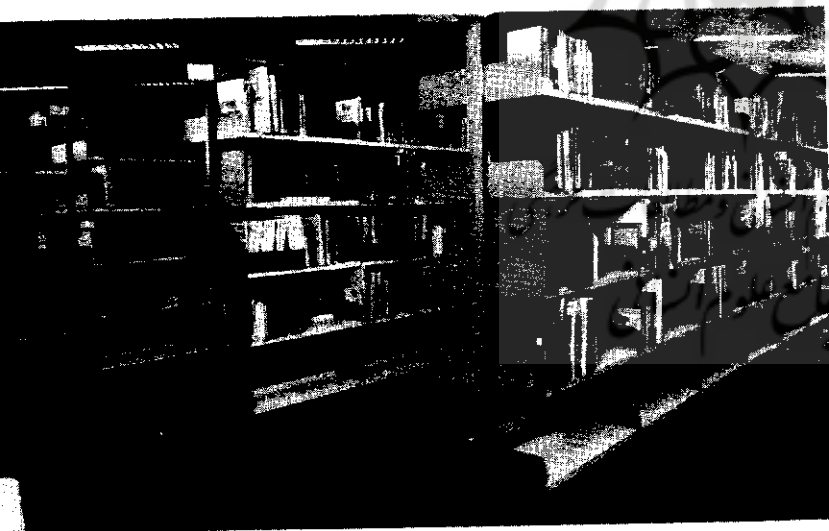
عوامل ایجاد کننده بی‌رغبتی و عدم عادت افراد به مطالعه و یا موانع و مشکلات آنرا می‌توان به دو دسته تقسیم نمود، اما ذکر این نکته که این دو دسته عوامل با هم رابطه متداخل و متقابل دارند، بطوریکه گاهی تفکیک آنها غیرممکن است، ضروریست. در ذیل به بیان این مشکلات و موانع می‌پردازیم:

الف - عوامل فردی یا درونی - برخی از عوامل بازدارنده افراد در خصوص ایجاد انگیزه و عادت به مطالعه ممکن است در خود فرد باشد، از جمله خستگی، بیماریهای جسمانی و روانی، کم‌سوادی و بیسوادی، کندخوانی، عدم درک صحیح مطالب و... جزء این دسته عوامل محسوب می‌شوند. برای مثال نسبت بیسوادی در کشور افغانستان ۷۰/۶ درصد است نسبت روزنامه به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۱۱ روزنامه است. (۸) در حالیکه در کشورهای دیگر که نسبت بیسوادی کمتر است معمولاً تعداد روزنامه‌ها و نشریات نیز به نسبت جمعیت بیشتر میشود. چنانکه در کشور ژاپن این مساله بوضوح دیده می‌شود. "این کشور بالاترین سطح سواد را (چه از نظر کمی و چه کیفی) در سطح آسیا دارد. (۹) و نیز "... صاحب بالاترین سهم روزنامه در آسیاست (۵۸۷ روزنامه برای ۱۰۰۰ نفر یا هر دو نفر یک روزنامه)" (۱۰)

حال اگر بخواهیم اطلاعات فوق را در مورد کشور خودمان نیز داشته باشیم، نسبت بیسوادی در ایران ۴۶ درصد است و نسبت روزنامه‌ها به هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ۲۶ روزنامه است. (۱۱)

ب - عوامل اجتماعی یا بیرونی - دسته دیگر از اشکالات و موانع سد راه مطالعه عوامل و عناصری هستند که در محیط پیرامون افراد جامعه وجود دارد. این دسته مشکلات و محدودیت‌ها به مراتب مهمتر و بیشتر از محدودیت‌های نوع اول است. یکی از مشکلات عمده که در بسیاری از کشورها و از جمله در کشور ما موجود است کمبود کتاب و نشریه و روزنامه است، چنانکه به اختصار به بیان برخی از آمارها در

یک ارزش فرهنگی و اجتماعی تلقی نشود، می‌تواند در زمره مشکلات و موانع یاد شده تلقی شود. اشتغال بیش از حد افراد به امور روزمره جهت رفع نیازهای مادی و اقتصادی و در نتیجه نداشتن فرصت مطالعه نیز یکی دیگر از عوامل بازدارنده مطالعه است. گران بودن کتاب از یکطرف و نیز مشکلات اقتصادی علاقمندان به کتاب و مطالعه از طرف دیگر می‌تواند





علت مهمی جهت عدم مطالعه تلقی شود. دیگر اینکه کمبود کتابخانه و یا فعال نبودن آنها از جمله عواملی است که در امر مطالعه و کتابخوانی مانع و مشکل می‌آفریند.

راه حل‌ها و پیشنهادها جهت رفع موانع مطالعه.

برای رفع تنگناها و مشکلات موجود جهت ایجاد انگیزه و عادت افراد جامعه به مطالعه راه حل‌ها و پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. تلاش و بسیج همگانی جهت از بین بردن بیسوادی و کم‌سوادی در جامعه و عمومی کردن امر آموزش و پرورش.
۲. تربیت و استخدام مشاورین و راهنمایان مطالعه در کتابخانه‌های عمومی و آموزشی.
۳. یاری و راهنمایی دانش‌آموزان توسط معلمان، دبیران، مشاورین مدارس و مربیان پرورشی در امر مطالعه.
۴. آموزش‌های لازم مطالعه در دوره تحصیلات دانشگاهی و همینطور مراکز ضمن خدمت جهت معلمان و دبیران.
۵. برگزار نمودن مسابقه کتابخوانی و تشویق مطالعه کنندگان و دادن جایزه و پاداش به آنها.
۶. بالابردن منزلت اجتماعی مطالعه کنندگان و درس خوانده‌ها و تحصیلکرده‌ها در جامعه.
۷. تأسیس و توسعه کتابخانه‌های آموزشی در مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها.
۸. تأسیس کتابخانه‌های سیار محلی در شهرها و روستاها.
۹. تأسیس کتابخانه‌های ویژه در قطارها مخصوصاً در راههای طولانی.
۱۰. تشکیل نمایشگاه کتاب و دادن تخفیف‌های ویژه.
۱۱. اعلام هفته کتاب و کتابخوانی و برگزاری مسابقه‌های مطالعه در این هفته.
۱۲. تشکیل سمینارهای علمی جهت بررسی ابعاد مختلف مطالعه.

یادداشتها:

۱. آمارها از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ اقتباس شده است.
۲. مجلس و پژوهش شماره ۱۱ - مقاله آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا و واکنش دولت‌ها، ص ۳۹
۳. اقتباس از مقدمات روانشناسی آموزش خواندن.
۴. دوگفتار ص ۴۰.
۵. شیوه‌های مطالعه ص ۱۹.
۶. همان منبع - مقدمه.
۷. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه شود به کتاب‌های روش‌های مطالعه و همچنین چگونه کتاب بخوانیم.
۸. روان شناسی مطالعه ص ۳۱.
۹. آمارها از نشریه مجلس و پژوهش شماره ۱۱ مقاله آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا و واکنش دولت‌ها، اقتباس شده است.
۱۰. همان منبع ص ۳۳.
۱۱. همان منبع ص ۳۳.
۱۲. آمارها از همان منبع ص ۳۷ اقتباس شده است.

منابع

۱. آدلر، مارتیمرجی [و دیگران]. چگونه کتاب بخوانیم. ترجمه محمد صراف تهرانی. مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۲. رالف سی استیگر. شیوه‌های مطالعه. ترجمه علی شکونی. تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
۳. خمارلو، توران. دوگفتار [بی‌جا، بی‌نا]، ۱۳۵۸.
۴. سیف، علی‌اکبر. روش‌های مطالعه. تهران، رشد ۱۳۵۸.
۵. شریعتمداری، علی. روان‌شناسی تربیتی. اصفهان، مشعل اصفهان، ۱۳۴۲.
۶. گنجی حمزه. روان‌شناسی عمومی. تهران، دانشگاه پیام‌نور، [بی‌تا]
۷. میس سی. ای. روان‌شناسی مطالعه. ترجمه امیر فرهمندپور. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۸. نشریه مجلس و پژوهش. شماره یازدهم - سال دوم شهریور و مهر ۱۳۷۳.
۹. سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ - سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران
۱۰. غلامرضایی، خسرو. مقدمات روان‌شناسی آموزش خواندن (جزوه درسی). کرمان، دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۶۳.

